

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

استعاره جهاد و پایداری در گفتمان و ایدئولوژی سیاسی رهبر: رویکرد شناختی

(علمی - پژوهشی)

شیرین پوراابراهیم^۱

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی مفهوم جهاد، پایداری و مفاهیم مرتبط با آن در گفتمان سیاسی رهبر انقلاب اسلامی ایران است. در این مطالعه زبانشناختی که در چارچوب نظریه استعاره شناختی صورت می‌گیرد، ۱۵ سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بهار ۱۳۹۲ که در بخش آرشیو بیانات رهبری^۲ ذخیره شده است به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است. از میان این داده‌ها، کانون‌های استعاری مربوط به مفهوم جهاد به طور هدفمند، انتخاب و استعاره‌های مرتبط با آنها شناسایی و طبقه‌بندی گردید. هدف این مقاله، پاسخ به این سؤال است که در ادبیات سیاسی ایران، استعاره سیاسی ایدئولوژیکی «جهاد» چگونه ظاهر می‌شود و ارتباط استعاره‌های خرد مرتبط با آن چگونه است؟ همچنین، این استعاره کلان از چه عناصری تشکیل شده است؟ بررسی داده‌های مذکور بر اساس رویکرد استعاره شناختی نشان داد که در گفتمان رهبر، استعاره جهاد به عنوان استعاره‌ای کلان در زیرساخت اکثر مباحث سیاسی عمل می‌کند. استعاره‌های کلان، فعالیت ثمربخش جنگ/جهاد است و فعالیت ثمربخش سفر است از جمله استعاره‌های غالب در بیانات رهبر است. همچنین، ماهیت فرهنگی - دینی استعاره جهاد باعث ایجاد انسجام آن استعاره و انعطاف در کاربرد مفاهیم مختلف شده است.

واژه‌های کلیدی

استعاره مفهومی، گفتمان سیاسی، ایدئولوژی.

^۱ . استادیار دانشگاه پیام نور pourebrahimsh@pnu.ac.ir

۱- مقدمه

استعاره‌های مفهومی (Conceptual Metaphors) ریشه در تفکر بشر داشته و در همهٔ سیاق‌های زبانی و نیز غیرزبانی چون هنر و معماری مشاهده شده‌است. در مطالعاتی که به کشف این استعاره‌ها در گفتمان‌های سیاسی جهان پرداخته شده‌است، استعاره‌های مفهومی از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌است. مقالهٔ حاضر در صدد بررسی کلان استعارهٔ جهاد (Megametaphors) در گفتمان و ایدئولوژی سیاسی حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران است. در این مطالعهٔ زبانشناختی و معنی‌شناختی، سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله... خامنه‌ای در بهار ۱۳۹۲ به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. از میان این داده‌ها، کانون‌های استعاری مربوط به مفهوم جهاد به طور هدفمند انتخاب و استعاره‌های مرتبط با آنها شناسایی و طبقه‌بندی گردید. این عبارات از پایگاه مقام معظم رهبری اقتباس شده و هر عبارت یا جمله یا بندی که حاوی عبارات استعاری با مضمون جهاد باشد، درون گیومه قرار گرفته و تاریخ سخنرانی، درون پرانتز ذکر شده‌است. در این مقاله پس از بیان مسئله، ضرورت، اهمیت و پیشینهٔ تحقیق به بحث در مورد داده‌های پژوهشی می‌پردازیم. تلاش می‌شود از میان عبارات استعاری م تنوعی که استخراج شده‌است، ۵۰ نمونه (عبارت استعاری) به عنوان مثال ذکر شود و عبارات استعاری مشابه حذف شود.

۱-۱- بیان مسئله

کشف و بررسی استعاره در گفتمان‌های سیاسی رهبران دنیا از راه‌هایی است که می‌توان به شیوه‌های مفهوم‌سازی این افراد و چگونگی کاربرد موفق استعاره‌ها برای رسیدن به مفاهیم مورد نظر و شکل‌گیری استعاره‌های جدید پی‌برد. هدف از این مقاله پاسخ به این سؤال است که در ادبیات سیاسی ایران، استعارهٔ سیاسی ایدئولوژیکی «جهاد» چگونه ظاهر می‌شود و ارتباط استعاره‌های خرد مرتبط با آن چگونه است؟ همچنین، این استعارهٔ کلان از چه عناصری تشکیل شده است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نظریه استعاره شناختی را معرفی کردند. این نظریه به بررسی ساختار استعاره‌ها در نظام تفکر بشر و بازتاب آن در نظام زبان و غیرزبان اختصاص دارد. لیکاف و جانسون در کتاب تأثیرگذار خود یعنی استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم به ارائه شواهدی می‌پردازند که طبق آن «استعاره‌ها نقش عمده‌ای در ساختن واقعیت اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند» (Lakoff & Johnson, 1980:159) آنها معتقدند که «تفکر استعاری، به صورت نگاشت‌های بین حوزه‌ای، اصلی و اولیه و زبان استعاری فرعی و ثانویه است» (Lakoff & Johnson, 1999:123). این ادعا، در صورت اعتبار، بار سنگینی برای مطالعه گفتمان سیاسی به همراه دارد. گفتمانی که تا پیش از مطالعه آن به نظریات تحلیل گفتمان بویژه نظریه تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) منحصر می‌شد. اگر تجربیات و مفهوم‌سازی‌های اجتماعی ما به صورت استعاره سازماندهی شود، پس آنگاه سیاست به عنوان بخشی از حوزه اجتماعی، می‌بایست به صورت استعاری درک و ساخته شود.

گوتلی (Goatly, 2007:15) معتقد است یکی از مهم‌ترین پیامدهای نظریه استعاره مفهومی رسیدن به این نکته است که انتخاب حوزه‌های مبدأ ملموسی که برای درک و مفهوم‌سازی حوزه‌های مقصد مجرد به کار می‌رود، اتفاقی نیست؛ به عبارت دیگر، نگاشت‌های میان مبدأ و مقصد الگوهایی دارد که می‌توان آنها را نهادهای (themes) استعاره مفهومی، یا کوتاوتر، استعاره مفهومی نامید.

لیکاف در کتاب خود با عنوان سیاست اخلاق، آنچه محافظه کاران می‌دانند و لیبرال‌ها نمی‌دانند، به تحلیل دیدگاهی که در زیرساخت تفکر سیاسی ایالات متحده آمریکا قرار داشت پرداخت. به اعتقاد وی (Lakoff, 1996:7) استعاره سیاسی **خانواده** در مرکز مفهوم‌سازی جامعه در سیاست آمریکا قرار دارد. به طور کلی این استعاره به صورت ذیل است: **اجتماع، یک خانواده است / قدرت اخلاقی، قدرت والدین است / شخصی که در قدرت است یکی از والدین است / رفتار اخلاقی کسی که**

تحت این قدرت است، اطاعت است / رفتار اخلاقی کسی که صاحب قدرت است ایجاد معیارها و اجرای آن است. موسلف (2007) در کتاب *استعاره و گفتمان سیاسی*، در جست‌وجوی یافتن توضیح تجربی برای استعاره‌های سیاسی به تحلیل‌های پیکره‌مدار پرداخته‌است. برای این کار، پیکره‌گفتمان مربوط به موضوعات مشترک بریتانیا و آلمان - سیاست‌های اتحادیه اروپا - طی دوره بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۱ مورد بررسی قرار گرفته‌است (Musolf, 2007: 2). در این کتاب، استعاره‌های سیاسی مثل **دولت ملّی به مثابه شخص / دولت ملّی به مثابه خانواده / دولت به مثابه تربیت‌کننده / دولت به مثابه پدر خشن / اروپا به مثابه ساختمان / اروپا به مثابه خانواده / اروپا به مثابه انسان** و بسیاری استعاره‌های دیگر مشاهده می‌شود (ضمیمه ۲).

موسلف (۲۰۱۲) به مطالعه و بررسی استعاره به عنوان بخشی از تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد. وی معتقد است که درک زبانشناسی شناختی از استعاره به عنوان ابزاری مهم برای مفهوم و استدلال‌سازی می‌تواند به ساخت معنی در بافت اجتماعی کمک کند (Musolf, 2012: 301). به نظر می‌رسد کاربرد استعاره‌های جهاد در گفتمان رهبر، در شکل‌گیری این گفتمان در مخاطب مؤثر و باعث ایجاد کنش اجتماعی شود. گوتلی (۲۰۰۷) در بخش اول کتاب خود به این امر می‌پردازد که چگونه موضوعات استعاری با جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی معاصر ارتباط دارد. او در بخش دوم کتابش به اهمیت نسبی تجربه بدنی و فرهنگ الگوها و شبکه‌های استعاری موجود در واژگان زبان انگلیسی تأکید می‌کند. وی معتقد است که الگوهای استعاری مشابه در زبان‌های مختلف، اگر جهانی نباشند، مشابه هم هستند، بویژه الگوهایی که در آنها ارتباط بین آنچه مفهوم‌سازی می‌شود و تجربه بدنی نزدیک است (Goatly, 2007:215). او معتقد است ایدئولوژی بر الگوهای استعاری تأثیر می‌گذارد. ایدئولوژی، قادر است معادله‌ای استعاری خلق کند؛ مثلاً در استعاره **زمان، پول است یا زمان، یک کالا است** یا استعاره **بیماری، هجوم است**. همچنین، ایدئولوژی ممکن است استعاره‌های موجود را

دوباره به خدمت بگیرد و آنها را تفصیل کند، رشد دهد یا شرح و بسط دهد؛ مثل هنگامی که استعاره **فعالیت حرکت رو به جلو است** از راه ایدئولوژی رقابت به این صورت شرح و تفصیل می‌یابد: فعالیت یک رخداد رقابتی است چه در مقابل بقیه و چه در مقابل زمان (Goatly, 2007:216).

آهرنز (Ahrens, 2002) در کتابی با عنوان *سیاست، جنسیت و استعاره‌های مفهومی* به بررسی استعاره‌های سیاسی در گفتمان مردان و زنان سیاستمدار می‌پردازد تا تفاوت‌های جنسیتی را مورد بررسی قرار دهد. کارور و پیکالو، در کتاب *زبان و استعاره سیاسی: درک و تغییر جهان* به ارائه رویکردهایی در کاربرد استعاره در علوم سیاسی می‌پردازند. (Carver & Pikallo, 2008) در ایران مطالعه‌ای بر روی استعاره در گفتمان سیاسی انجام نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

به نظر می‌رسد این استعاره کلان در زیرساخت بسیاری از مفهوم‌سازی‌های استعاری (Metaphorical conceptualizations) موجود در گفتمان سیاسی رهبر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. دلیل این امر را می‌توان شرایط ویژه سیاسی ایران در جهان به طور کلی و جهان اسلام به طور خاص، در نظر گرفت که موضع ایران را در بسیاری از مسائل در مقابل مواضع کشورهای سلطه‌گر قرار داده است. اگر به دو قطبی بودن جهان و تقسیم آن به دو جبهه سلطه‌گر و سلطه پذیر معتقد باشیم، ایران جریان سومی است که هیچ کدام از این مواضع را اتخاذ نکرده و موضع پایداری در مقابل سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را انتخاب کرده است. از سوی دیگر، جهاد کلمه‌ای است که بار معنایی آن متفاوت از جنگ است. مفهوم جنگ فاقد مؤلفه معنایی جهاد و تلاش و نیز مؤلفه الهی و دینی بودن است؛ بنابراین، در ورای این کلان استعاره می‌توان به ماهیت تفکر و ایدئولوژی دینی و سیاسی موجود در این گفتمان پی برد.

۲- بحث

همانطور که در مقدمه مقاله اشاره شد به نظر می‌رسد کلان استعاره جهاد در گفتمان رهبر بسیار مورد استفاده می‌گیرد. ایدئولوژی جهاد که یک پای آن در مذهب اسلام و پای دیگرش در سیاست کلی رهبر است، زنجیری به نظر می‌رسد که استعاره‌های مردم، ایران و نظام جمهوری اسلامی را مانند دانه‌های تسبیح در یک رشته جمع‌آوری می‌کند. در ابتدای بحث به مفهوم‌سازی سه مفهوم **ایران، مردم و نظام جمهوری اسلامی** که هر سه مفاهیم انتزاعی سیاسی هستند می‌پردازیم.

در کلام رهبر ایران، با جاندارپنداری (personification) ایران مواجهیم. در این جاندارپنداری که خود نوعی استعاره وجودی (ontological) است و با سایر سازوکارهای شناختی تلفیق می‌شود، **ایران به مثابه شخص است**: «ایران مستقل، ایران سرافراز» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴). و نیز **ایران به مثابه ساختمان محکم است**: «وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱). نظام جمهوری اسلامی نیز به صورت شخص یا چیز مفهوم‌سازی می‌شود: «وقتی مردم در یک نظامی متحدند، یکپارچه‌اند، پشتیبان نظامند، با نظامند، این نظام مصونیت پیدا می‌کند، اقتدار پیدا می‌کند، قدرت پیدا می‌کند، برکندن آن از جا ناممکن می‌شود؛ مثل درختی است که در اعماق زمین ریشه دوانده.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۰۳/۰۸) در این عبارت، نظام جمهوری اسلامی به مثابه درختی تووند و محکم مفهوم‌سازی می‌شود. در تعبیر دیگری همین نوع مفهوم‌سازی مشهود است: «و می‌گویند: نظام جمهوری اسلامی ایران به این آسانی‌ها و به این زودی‌ها تکان‌بخور نیست.» (۹۲/۰۳/۰۸) در مثال زیر مفهوم نظام جمهوری اسلامی به صورت قهرمان شکست‌ناپذیر مفهوم‌سازی می‌شود:

۱- «نظام جمهوری اسلامی، قوی است. این خرابکاری‌ها و انگشت توی چشم کردن‌ها و این مزاحمت‌ها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پا نمی‌اندازد. جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها با انواع سیاست‌ها و سیاستمداران مختلف روبه‌رو بوده است؛ اما با وجود

همه معارضه‌ها، همه زاویه‌ها - که احياناً وجود داشته‌است - جمهوری اسلامی پیش‌رفته؛ بعد از این هم همین جور خواهد بود. جمهوری اسلامی که با این حرف‌ها از پا در نمی‌آید.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۱۶)

۲- «اگر جمهوری اسلامی سر پا باشد، بانشاط باشد، رو به پیشرفت باشد، آنها در دنیا بی‌آبرو می‌شوند.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

انقلاب اسلامی ایران نیز جاننداری فعال و پر تکاپو انگاشته می‌شود:

۱- «این انقلاب از روز اول تا امروز هر قدمی برداشته‌است، قدمی بوده‌است که نوید قدم بعدی را به ما می‌داده.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۶)

به جاندارپنداری کشور ایران با استفاده از کانون‌های استعاری فلج و ستون فقرات که به حوزه شخص تعلق دارند و نه کشور، توجه کنید:

۲- «اگر در یک کشوری نیروی انسانی کار نباشد، یا ضعیف باشد، یا غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن او دستخوش جریانات سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد. شما مجموعه کارگری کشور، ستون فقراتید و به طور عمده، شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری می‌کنید.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

۳- «آنها گفتند می‌خواهیم ملت ایران را با تحریم‌ها فلج کنیم.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

گاه ایران یا ملت ایران به مثابه یک پیکره تجسیم می‌شود:

۴- «اما خب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش می‌کند؛ جزو مغنم و عزیز پیکره این ملت است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

گاه ملت ایران به مثابه خورشید درخشان است:

۵- «این ملت می‌تواند مثل خورشید در میدان‌های مختلف بدرخشد.»

این پیکر گاه به دارو نیاز دارد. کما این که در عبارت زیر، امام به مثابه طیبی است که به تزریق داروی باور در جسم ملت ایران می‌پردازد. این بیان ادیبانه، حاوی چندین مفهوم‌سازی است که یک الگوی استعاری با ایدئولوژی متفاوت را می‌سازد:

۶- «این‌ها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این مکتب تزیین کرد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

غیر از ملت ایران اجتماع بزرگتری وجود دارد که امت اسلامی است. گاه امت اسلامی به صورت یک پیکر واحد تصور می‌شود که حاوی اعضای چون دل است:

۷- «از ۶۰ سال پیش تاکنون داغی بزرگتر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۹)

در استعاره اسلام، اسلام و نیز شیعه به مثابه یک خانواده مفهوم‌سازی می‌شود که در اعضای آن با هم برادر محسوب می‌شوند.

۸- «برادری با ملت‌های مسلمان» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

۹- «لیکن جامعه بزرگ شیعی، خانواده بزرگ پیروان اهل‌بیت نشان دادند که فریب این بازی را نمی‌خورند. برادران اهل سنت هم در بسیاری از نقاط این کار را محکوم کردند.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۱۶)

در برخی از شواهد تحقیق، به استعاره مهم مرکز است و غیرمهم پیرامون است در مفهوم‌سازی اهمیت اسلام در مقایسه با سایر ادیان و افکار و ایدئولوژی‌ها بر می‌خوریم:

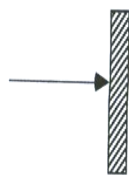
۱۰- «اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین‌کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است.» (تاریخ سخنرانی:

۹۲/۲/۱۱)

اما در کنار این مفاهیم، آنچه در این مقاله بر آن تأکید داریم استعاره جهاد و پایداری و کاربرد فراوان آن در گفتمان رهبر است؛ در واقع، استعاره جهاد و پایداری به منزله استعاره کلانی است که حتی هنگامی که در روساخت زبانی نیز ظاهر نمی‌شود، در زیرساخت محتوایی، سایر استعاره‌ها را به هم پیوند می‌دهد و مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل می‌کند. برای پیدایش این استعاره‌ها دو طرحواره ذهنی حرکت یا مسیر و طرحواره قدرتی نقش شایانی دارند. به اعتقاد جانسون حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک، تجربه‌ای در اختیار انسان قرار داده تا طرحواره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی

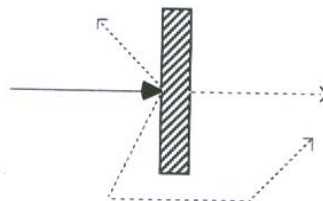
در ذهن خود پدید آورد و برای آنچه قادر به حرکت نیست، چنین ویژگی‌ای را در نظر بگیرد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۷۵-۳۷۶)

حال، شرایطی را در نظر بگیرید که در برابر حرکت، نیروی مقاومت یا سدّی قرار گرفته باشد. انسان بر حسب تجربیات خود، امکانات مختلفی را در برخورد با چنین سدّی تجربه کرده است و قدرت خود را در گذر از این سد آزموده است؛ به این ترتیب، طرحواره‌ای انتزاعی از این برخورد فیزیکی در ذهن خود پدید آورده است و این ویژگی را به پدیده‌هایی نسبت می‌دهد که از چنین ویژگی برخوردار نیستند. جانسون این نوع طرحواره‌ی تصویری را طرحواره‌ی قدرتی (Force Schema) نامیده و امکانات آن را بر شمرده است. نخستین نوع طرحواره‌ی قدرتی، آن است که در مسیر حرکت، سدّی ایجاد شده باشد که

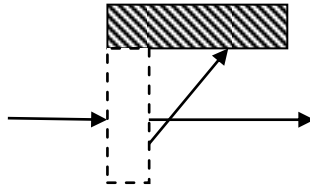


نتوان از آن گذشت و حرکت قطع شود.

دومین نوع طرحواره‌ی قدرتی، آن است که در مسیر حرکت سدّی به وجود آمده باشد و سه حالت مختلف را پیش روی ما قرار دهد: نخست اینکه مسیر را تغییر دهد؛ ولی این تغییر مسیر به گذر از آن سد منجر نشود؛ دوم، این که انسان بتواند از کنار آن سد بگذرد و به راهش ادامه دهد؛ سوم، این که انسان با قدرت از میان آن سد عبور کند. این یک وضعیت را می‌توان در طرح ذیل نمایش داد و برای هر یک به ترتیب، نمونه‌های را از فارسی مثال آورد. در طرح ذیل، خطوط نقطه‌چین نشانه‌ی نوع ادامه حرکت در مسیرهای سه‌گانه فوق‌اند.



سومین نوع طرحواره قدرتی، آن است که انسان بتواند سد مذکور را از مسیر حرکت بردارد و به حرکت خود ادامه دهد. در این باره می‌توان طرح زیر را به دست داد:



در داده‌های تحقیق، عبارات استعاری زیادی یافت شد که مبنای شکل‌گیری آنها طرحواره‌های فوق بودند. همانطور که گفتیم، ملت ایران، کشور ایران، نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، با کمک استعاره جاندارپنداری و حتی استعاره‌های وجودی دیگر که یک غیر جسم را به صورت جسمی دارای حالات و شرایط مواد عینی مفهوم‌سازی می‌کنند، ادراک می‌شوند. همه این سازوکارهای شناختی یعنی طرحواره‌های قدرت و مسیر، جاندارپنداری و سایر استعاره‌ها، با هم کلان‌استعاره جهاد و پایداری را در گفتمان سیاسی شکل می‌دهند. برای بررسی داده‌ها به عبارات استعاری زیر توجه کنید.

۱۵- «اینکه شما مشاهده می‌کنید یک ملت با این همه دشمنی، با این همه خیانت و رذالتی که در مقابل این ملت، دشمنان در سطوح مختلف، در عرصه‌های مختلف، از همه طرف اعمال کردند، اما نتوانستند این ملت را متوقف کنند و ملت ایران با عزم خود، با پیشرفت خود، با حرکت مستمر و جهادگونه خود، همه آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد.» (۹۲/۲/۲۵)

۱۶- «نمی‌توانید در میدان علم حرکت کنید.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

۱۷- «با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدان‌های سیاست، علم، اقتصاد و همه میدان‌های زندگی عقب افتاد.» (پیشین)

۱۱- «نامداران عرصه‌ی دین و تقوا» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۱۱)

۱۲- «فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است.» (پیشین)

۱۳- «هم در عرصه فرهنگ سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه عملی»
(تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

۱۴- «جوان‌های ما امروز میدان‌های عظیم علمی را دارند فتح می‌کنند؛» (تاریخ سخنرانی:
(۹۲/۲/۲۵)

در عبارات فوق، ملت ایران در حل حرکت بی‌وقفه به سوی دشمن مفهوم سازی می‌شود. همزمان، تصویر دشمنان ایران نیز در ذهن فراخوانده می‌شود که در آن حرکت رو به عقبی را دارند. یا در تصویر زیر که مشابه مورد فوق است، حرکت در مسیری بدون بن بست در ذهن تجسم می‌شود:

۱۵- «هرگز دچار بن‌بست نشدیم، هرگز در دلان یأس و ناامیدی قرار نگرفتیم.»
(تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۶)

حرکتی که برای ملت ایران انگیزه می‌شود، حرکتی عادی نیست. این حرکت در جهت مقابله با دشمن است و تصویر آن تقریباً در بیشتر موارد در صحنه جنگ و جهاد قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، از حوزه مفهومی عینی جنگ یا جهاد، برای مفهوم سازی همه فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی استفاده می‌شود؛ به عبارت بهتر، ما یک استعاره ساختاری کلان داریم و آن استعاره **فعالیت ثمربخش جنگ/جهاد است و فعالیت ثمربخش سفر است** می‌باشد؛ به عنوان مثال، در عبارت زیر استعاره **حضور در انتخابات جنگ/جهاد است (ELECTION IS WAR)** را می‌بینیم. اما منظور، جنگ میان نامزدهای انتخاباتی نیست؛ بلکه موردی از مبارزات و جنگ میان ملت ایران و دشمنانش است:

۱۶- «نفس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار انتخابات است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

۱۷- «این گامی که ملت ایران در چند روز دیگر در پیش دارد - یعنی گام انتخابات - یکی از همان گام‌ها است که ان‌شاءالله بشارت‌ده گام‌های بعدی است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۶)

۱۸- «این هشت نفر، آقایان محترمی که در صحنه هستند» (تاریخ سخنرانی:

(۹۲/۳/۱۴)

۱۹- «اینکه شما وارد عرصه انتخابات می شوید.» (همان)

۲۰- «برای وارد شدن در عرصه انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون

است.» (همان)

۲۱- «توده مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم ان شاء الله وارد میدان

خواهند شد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

این جنگ و جهاد در صورت‌های مختلف مفهوم‌سازی می‌شود. در عبارت زیر، ملت ایران به مثابه یک مشت زن در ذهن فراخوانده می‌شود:

۲۲- «این ملت در این نوبت هم مثل نوبت‌های قبل، مشت محکمی به دهان دشمن

خواهد زد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۲۵)

۲۳- «به توفیق الهی، این دفعه هم تودمنی خواهند خورد.» (تاریخ سخنرانی: ۰۳/۰۶/

۹۲)

جنگ و جهاد فوق، توأم با حرکت است؛ بنابراین با طرحواره حرکت تلفیق می‌شود. نوع حرکت به دلیل تلفیق با استعاره **فعالیت ثمربخش، جنگ/جهاد است**، حرکت‌های رزمی و مبارزه‌جویانه است؛ بنابراین، حوزه مبدأ حرکت می‌تواند به صورت‌های مختلف تصویرسازی شود، مثل حرکت موج:

۲۴- «یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

حرکت، ممکن است عمودی و به سوی بالا باشد؛ همانطور که کانون استعاری اوج در عبارت زیر نشان می‌دهد:

۲۵- «امروز، رشد علمی و فنی و توانایی‌های سازندگی در کشور به این نقطه از اوج

رسیده است.» (همان)

در حرکت به سوی هدف، راه بسیار طولانی و رو به بالا تصویرسازی شده است. همچنین مؤلفه سرعت و شتاب که از مفاهیم مربوط به حرکت است در بسیاری از مفهوم‌سازی‌ها دیده می‌شود:

۲۶- «بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ می‌توانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید.» (همان)

۲۷- «سستی کردیم، نتاختیم به پیش - این اتفاق افتاده - اما راه هرگز بسته و بزیست نبوده است؛ هر گام ما بشارت‌ده گام بعدی بوده.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۶)

سفر نیازمند نقشه راه است. اصول بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، و قانون در دو مثال زیر دو زیراستعاره اصول رهبر نقشه راه است و قانون نقشه راه است را تشکیل می‌دهد.

۲۸- «نقشه راه هم در مقابل ما است. ما نقشه راه داریم ... نقشه راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

۲۹- «قانون، راه را نشان می‌دهد که چگونه حرکت کنیم.» (همان)

عبارات استعاری زیادی در گفتمان سیاسی رهبر موجود است که استعاره فوق یعنی فعالیت، ثمربخش سفر است و فعالیت ثمربخش، جنگ/جهاد است را نشان می‌دهند. در بند زیر، تلفیقی از این دو استعاره را می‌بینیم که به واسطه وجود کانون‌هایی استعاری مثل جلوتر از دشمن حرکت کردن، حدس زدن نقشه دشمن مشخص می‌شوند:

۳۰- «ما در برنامه‌ریزی‌ها همیشه باید جلوتر از دشمن حرکت کنیم. در مقابل فعالیت دشمن، کشور نباید در حال انفعال به سر ببرد. هوشمندانه باید نقشه دشمن را حدس زد و تشخیص داد و جلوتر از دشمن عمل کرد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

۳۱- «از جاده علم عقب مانده ایم.» (تاریخ سخنرانی: ۱۸/۰۲/۱۳۹۲)

۳۲- «حضور قدرتمندانه این ملت در عرصه حرکت و تاخت به سوی آرمان‌ها»
(تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۶)

۳۳- «کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در
صحنه‌های گوناگون حرکت دهد؛ کشور را به عقب بکشاند، به عقب براند.»
(تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۲۵)

حرکت‌ها گاه به صورت حرکت اتومبیل و گاه حرکت قطار مفهوم‌سازی می‌شود:
۳۴- «ما هم در طول ده‌ها سال - از اوّلی که آموزش و پرورش جدید در کشور
آمد - بر همان مبنا حرکت کردیم، در واقع در همان ریل پیش رفتیم؛ که
خب، ریل درستی نبود. این سند تحوّل باید ما را به سمت هدف‌های اسلامی
حرکت دهد.» (تاریخ سخنرانی: ۱۸/۰۲/۱۳۹۲)

۳۵- «یک خودروی تر و تمیز خوش‌فرمان تندرو زیر پای انسان البته موفقیتی است،
انسان را به مقاصد می‌رساند؛ اما به همان اندازه خطرات هم دارد؛ باید مراقب
بود.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۰۳/۰۸)

در استعاره سفر، مؤلفه موانع سفر نیز وجود دارد. کاربرد عبارت سنگ‌اندازی نیز
شاهدی بر مفهوم‌سازی فعالیت‌های ثمربخش به مثابه سفر است:

۳۶- «و این جریانی را که می‌خواهد در راه اتحاد امت اسلامی و پیشرفت امت
اسلامی سنگ‌اندازی کند، متوقف خواهد کرد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۱۶)

در عبارات استعاری مؤلفه‌های دیگر سفر از جمله وسعت، عمق، سرعت و باری که
بر دوش مسافر است برجسته شده‌اند:

۳۷- «حرکت عمیق و وسیع پیشرونده انقلاب و کشور را به سوی اهداف» (تاریخ
سخنرانی: ۹۲/۲/۱۱)

۳۸- «در راه سعادت این ملت، بار سنگین کار را بر دوش خودتان دارید حمل
می‌کنید.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

حماسه نیز از کانون‌های استعاری پربسامد و مؤید وجود استعاره کلان **فعالیت ثمربخش، جهاد است** می‌باشد که در داده‌های تحقیق بسیار مشاهده شده است. همشینی حماسه با عباراتی چون اقتصادی و سیاسی و سایر عباراتی که به جنگ ارتباط مستقیمی ندارند و در مفهوم آنها مؤلفه‌های معنایی مربوط به جنگ وجود ندارد، باعث شکل‌گیری استعاره‌های **اقتصاد، جهاد است؛ سیاست، جهاد است؛ علم‌آموزی، جهاد است** و غیره شده است. رهبر انقلاب حماسه را به مثابه واقعه جهادگونه و پرشور تعریف می‌کند (۹۲/۲/۷) یا «آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام می‌گیرد.» (۹۲/۳/۱۴). همچنین جهاد با مؤلفه‌های آگاهی، پایداری و جهش نیز همراه است؛ بنابراین، مؤلفه موجود در جهاد و حماسه بیش از مؤلفه‌های موجود در جنگ است و حماسه با جنگ متفاوت است:

۳۹- «مجاهدتِ دائم هم‌همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۱۱)

از سوی دیگر، حماسه نوعی شعر است. در شاهد زیر، انتخابات به مثابه مصراع مهم و برجسته حماسه سیاسی است:

۴۰- «مصراع برجسته حماسه سیاسی، همین انتخاباتی است که پیش رو است.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۰۲/۱۸)

میدان، صحنه، عرصه، از عناصر مفهومی جهاد و حماسه‌اند که هنگام کاربرد در مفاهیم غیرجنگ، باعث ایجاد نگاشت‌های استعاری و شکل‌گیری استعاره می‌شود:

۴۱- «سال ۹۱ برای ما یک میدان رزمایش بود، یک میدان تمرین بود. ... در این میدان رزمایش، توانستیم از خودمان برجستگی‌هایی را هم نشان دهیم؛ البته ضعف‌های خودمان را هم شناختیم؛ خاصیت رزمایش این است. در یک تمرین رزمی و در یک رزمایش، یک مجموعه رزمی، هم قوت‌های خود را می‌شناسد، هم ضعف‌های خود را می‌شناسد و آنها را برطرف می‌کند.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

استفاده از استعاره‌های زبانی با کانون‌های سه گانه فوق‌زیاد و شواهد آن در گفتمان مورد نظر این مقاله بسیار پربسامد است و از تکرار آن پرهیز می‌کنیم. علاوه بر آنها، کانون‌های استعاری دیگری نیز وجود دارند مثل شمشیر را از رو بستن، از پا نشستن، پیروزی، استقامت و ایستادگی، دفاع، مقابله، قد علم کردن، و زره پوشاندن:

۴۲- «ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۹)

۴۳- «امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته‌اند.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۸)

۴۴- «بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه بین‌المللی؛ فقط به اتکای ایمان به خدا و اعتماد به نفس که می‌تواند در این میدان بایستد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۳/۱۴)

۴۵- «اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهمی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۲۵)

۴۶- «حوادث سال ۹۱ درس بزرگی به ما می‌دهد؛ این درس، این است که یک ملت زنده از تهدید و فشار و سختگیری دشمن هرگز به زانو در نخواهد آمد.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

بنابراین، جهاد و پایداری را در بسیاری از موارد نمی‌توان به عنوان مفاهیم مجزائی در نظر گرفت و استعاره‌های آنها را استخراج نمود. در شاهد ذیل از عبارت استعاری اقتصاد مقاومتی استفاده شده است:

۴۷- «سیاست‌های اقتصاد باید سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» باشد -یک اقتصاد مقاوم- باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۲/۷)

در عبارات ذیل در توصیف دشمنان ایران از استعاره جهاد و پایداری مکرر استفاده شده است. عبارات صف دشمنان ملت ایران، پنجه چدنی که برای نمایش دوستی فریبکارانه یک دشمن به کار می‌رود، و تاکتیک مظاهر زبانی مختلف استعاره‌های جهاد و پایداری‌اند:

۴۸- «منتها رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ای نیست که در صف دشمنان ملت

ایران به چشم بیاید.» (تاریخ سخنرانی: ۹۲/۱/۱)

۴۹- «امروز هم متأسفانه همان سیاست را دولتمردان آمریکا ادامه می‌دهند؛ همان

پنجه‌ی چدنی زیر دستکش مخملی.» (همان)

۵۰- «برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکائی‌ها، یک تاکتیک

آمریکائی و برای فریب‌دادن افکار عمومی است.» (همان)

۳- نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی به داده‌های فوق به نظر می‌رسد که دو ویژگی عمده بر ساختار مفهومی این بیانات حاکم است. الف: دو کلان‌استعاره جهاد و پایداری در زیرساخت مفهومی این عبارات جاری هستند. این دو کلان‌استعاره، مبنای جایگاه ایدئولوژیکی جهاد و مقاومت در نظام فکری و در گفتمان سیاسی رهبر هستند. بهار سال ۱۳۹۲، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و شروع برهه‌ای حساس از انقلاب که در آن تحریم‌های زیادی بر این کشور اعمال می‌شود، بافت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای شکل‌گیری چنین گفتمانی است. ویژگی دیگری که پس از مطالعه چند عبارت از میان سخنرانی‌های زیاد این دوره آشکار است، انسجام درونی تمام گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، کلان‌استعاره‌های جهاد و پایداری به یک حوزه محدود نمی‌شوند و تمام مسائل کشور به شکل این استعاره‌ها مفهوم‌سازی می‌شوند.

در مورد ساختار درونی و ارتباط بیرونی استعاره‌های مذکور می‌توان به این جمع‌بندی

رسید که دو استعاره کلان در گفتمان رهبر موجود است: ۱- فعالیت ثمربخش، سفر

است و ۲- فعالیت **ثمربخش، جنگ/جهاد است**. این دو استعاره کلان گاه با هم تلفیق می‌شوند و یک نظام تفکری کلی‌تر را شکل می‌دهند: ۳- **فعالیت ثمربخش، حرکت جهادگونه است**.

در شکل‌گیری استعاری واژه جهاد به مفهوم تلاش و کوشش، در کنار مبارزه از مؤلفه‌های مهم معنایی هستند. این مؤلفه‌ها در واژه حماسه با مؤلفه‌های شور و نشاط و شوق آفرینی نیز ترکیب می‌شوند؛ بنابراین هم خود واژه‌های جهاد، استقامت و حماسه دارای معنای استعاری هستند و هم در هم‌نشینی با سایر واژه‌ها بر این معنای استعاری تأکید می‌شود. این استعاره‌ها قدرت تعمیم بالایی دارند؛ بنابراین، هر نوع فعالیت ثمربخش، مثل حضور در انتخابات، علم، رشد اقتصادی می‌تواند به واسطه رابطه مجازی جزء به کل، در حوزه مفهومی فعالیت ثمربخش قرار گیرد و استعاره خردی را تشکیل دهد: ۱- **انتخابات، جهاد است، ۲- علم، جهاد است و ۳- پیشرفت اقتصادی، جهاد است**. نگاهی‌هایی که از حوزه مبدأ جنگ و جهاد بر حوزه‌های مقصد مثل پیشرفت و علم و انتخابات صورت می‌گیرد را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

جهادگر ⇐ کسی که انتخابات شرکت می‌کند/ کسی که در پیشرفت علمی شرکت می‌کند/ کسی که در پیشرفت اقتصادی شرکت می‌کند.

جهاد ⇐ پیشرفت سیاسی، علمی، اقتصادی و غیره.

میدان جهاد ⇐ علم، سیاست، اقتصاد.

ابزار جهاد ⇐ تقویت علم، سیاست و اقتصاد.

موانع جهاد ⇐ برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و علمی دشمن.

ایستادگی ⇐ ادامه دادن به جهاد و از بین بردن موانع.

می‌توان گفت که حوزه تعمیم استعاره‌های فوق به قدری بالاست که می‌توان آن را مبانی ایدئولوژیکی سیاست‌ها و برنامه‌های رهبر فرض نمود. بررسی گفتمان‌های زبانی مربوط به

انسان‌های بزرگ می‌تواند ما را در یافتن محتوای فکری آنها و اشاعه و کاربرست آن نوع تفکر در جامعه و جهان یاری دهد.

فهرست منابع

۱. صفوی، کورش، ۱۳۸۳، **در آمدی بر معنی شناسی**، تهران: سوره مهر.
2. Ahrens, Kathleen, 2009, **Politics, Gender and Conceptual Metaphors**, US: Palgrave MacMillan Press.
3. Carver, Terrell, and Jernej Pikallo, 2008, **Political Language and Metaphor**: London and New York: Routledge.
4. Goatly, Andrew, 2007, **Washing the Brain, Metaphor and Hidden Ideology**, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamin's Publishing Company.
5. Lakoff, George, 1996, **Moral Politics: How Liberals and Conservatives Think?** Chicago: The University of Chicago Press.
6. Lakoff, George and Mark Johnson, 1980, **Metaphors We Live By**, Chicago: Chicago University Press.
7. Lakoff, George and Mark Johnson, 1999, **Philosophy in the Flesh: the Embodied Mind and its Challenges to Western Thought**, New York: Basic Books.
8. Musolff, Anderas, 2007, **Metaphor and Political Discourse**, New York: Palgrave MacMillan Press.
9. Musolff, Anderas, 2012, **Special Feature: The Study of Metaphor As Part Of Critical Discourse Analysis**, *Critical Discourse Studies*. Vol. 9, No. 3, 301–310
10. <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanatArchive=10497>. Retrieved in 19/11/2014.

